

جواد نوائیان رودسری | تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی، مشحون از نام‌های سرگی است که با خون و بار خویشت، درخت تنومند بیداری و استبدادستیزی را آبیاری کردند. در این میان، نام و نشان چهره‌هایی که هم در عرصه نظر و هم در میدان عمل نقش آفرین بودند، از اهمیتی مضاعف برخوردار است. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا کامیاب، یکی از این ستارگان پرפרوغ و بی‌پدیل است که از روستای «نوده میرمحراب» در گناباد برخاست و تا عالی‌ترین سطوح سازماندهی مبارزه، تثبیت انقلاب و تقنین در نظام نوپای اسلامی پیش‌رفت، او که‌از شاگردان میرزا، کادرهای تشکیلاتی و همراهان وفادار رهبر شهید به‌شمار می‌رفت، نقش غیرقابل انکاری در شبکه‌سازی و هدایت مبارزات مردمی در شهرهای مختلف؛ از جمله مشهد، کرمان، قزوین و... ایفا کرد. در این نوشتار مختصر که به مناسبت سالروز شهادت‌وی و به یادبود خدمت وفادارگی او در راه حق به رشته تحریر در آمده است، ضمن بازخوانی فراز و فرودهای حیات سیاسی، فکری و مبارزاتی این عالم مجاهد، با تکیه بر اسناد تاریخی، به‌ولاوی دلایل و چرایی کینه عمیق جریان انقراط و نفاق می‌پردازیم که در نهایت او را در مرداد سال ۱۳۶۰ خورشیدی به شهادت رساندند.

■ **ریشه و رویش: از مکتب‌خانه روستا تا حجره‌های حوزه**

همان‌طور که اشاره شد، سیدرضا کامیاب در نخستین روزهای مرداد سال ۱۳۲۹ خورشیدی در خانواده‌ای اصیل، مذهبی و ریشه‌دار در روستای «نوده میرمحراب» از توابع گناباد دیده به جهان گشود. زیستن در منطقه‌ای روستایی و کوچری، در آن برهه‌تاریخی و باتمام محرمیت‌های اقتصادی و اجتماعی موجود، موجب تربیت‌انسان‌هایی سختکوش و مقاوم می‌شد. پدرش، سیدعلی از معتمدان، کشاورزان زحمتکش و عالمان خوشنام منطقه بود که خانه، مخفل و منبرش، همواره ملجأ و مأوای مردم بی‌پناه برای حل و فصل امور شرعی و عرفی به‌شمار می‌رفت. پرورش در چنین فضایی، بزردین‌داری آگاهانه، ظلم‌ستیزی و دغدغه‌مندی اجتماعی را از همان اوان کودکی در وجود سیدرضا کاشفت، او با استعدادی شگرف، حافظه‌ای مثال‌زدنی و علاقه‌ای وافر، در ۱۳ سالگی گام در مسیر تحصیل علوم حوزوی نهاد. نبوغ او به‌حدی بود که پس از طی مقدمات ادبیات عرب و فقه در گناباد، احساس کرد ظرفیت علمی این منطقه‌پاسخگوی عطش سیری‌ناپذیر او نیست؛ از این‌رو، راهی حوزه علمیه کهن و پربورق مشهد شد و در محضر استادان بزرگ این حوزه به کسب علم پرداخت. او در این سال‌ها به‌عنوان طلبه‌ای فاضل، دقیق، منضبط و به‌شدت پیگیر مباحث درسی شناخته می‌شد که مسیر رشد علمی را با سرعتی چشمگیری طی می‌کرد. حجره او در مدرسه، نه فقط مکانی برای خواندن متون رایج حوزوی؛ بلکه گانوی برای مباحثات داغ دربارِه مسائل روز جهان اسلام بود.

■ **در میانه بحران: آشنایی با استاد و مراد**

نقطه عطف حیات سیاسی، اجتماعی و حتی روحی شهید کامیاب، در دل یک ترازوی ملی رقم خورد؛ جریان رزانه ویرانگر و دلخراش کاکخ و فردوس در شهریور ۱۳۴۷ خورشیدی، روزهایی که ویرانی، مرگ و اندوه بر سراسر منطقه سایه افکنده بود و رژیم پهلوی در مدیریت بحران و امدادرسانی ناتوانی مفرطی از خود نشان می‌داد، سیدرضا به‌عنوان طلبه‌ای جوان، رزائری و دغدغه‌مند، به‌صورت داوطلبانه و باتمام توان طی تلاشی دو ماهه، به صورت شبانه‌روز و بی‌وقفه به یاری آسیب‌دیدگان شتافت. او در آوربرداری، توزیع اوراق و تسلی دادن به بازماندگان نقش پررنگی داشت. در همین آورده‌گاه خدمت‌و در میان گرد و غبار آوارها بود که تقدیر، او را با حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای که ایشان نیز برای امدادرسانی و سازماندهی کمک‌های مردمی به منطقه آمده بودند، آشنا کرد؛ آشنایی عمیق و سرنوشت‌سازی که مسیر زندگی کامیاب را برای همیشه تغییر داد. این رابطه و پیوند روحی، فکری و تشکیلاتی به‌قدری عمیق، صمیمی و پلرانه‌شد که چندی بعد، خطبه عقد شهید کامیاب توسط حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای قرائت شد. مدتی بعد با درک ضرورت ارتقای بینش سیاسی طلاب و نیز، با درخواست مستقیم و پیگیری‌های مداوم سیدرضا کامیاب و جمعی از دوستان همفکرش، درس تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در مشهد آغاز شد؛ جلساتی که از نظر محتوایی و آموزشی، فراتر از جلسه تفسیر سنتی قرآن و در واقع، مرکزی برای پرورش طلاب مبارز در پرتو تبیین اندیشه‌های سیاسی اسلام، استخراج مفاهیم مبارزاتی از دل آیات و پاسخ به شبهات فراق‌های مارکسیستی و انقلاطی بود. ساواک خراسان که با رصد دقیق محتوای این جلسات، خیلی زود به عمق خطر آن برای رژیم بی‌بره، بارها اقدام به تعطیلی علنی آن‌ها کرد. با این حال، ارتباط سازمانی، آموزشی و معرفتی میان شاگرد و استاد، در مساجد مختلف،

درباره زندگی و مبارزات حجت‌الاسلام سید رضا کامیاب به مناسبت سالروز شهادت او

معمار قلعه‌های بیداری

منازل و به‌اشکال گوناگون تداوم یافت و روحیه استکبارستیزی، تشکیلات‌پذیری و مقاومت را در شخصیت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا کامیاب نهادینه کرد.

■ **آغاز رویارویی علنی: شکستن هیمنه طاغوت**

شاگردی مستمر در مکتب فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و همنشینی با مبارزان برجسته خطه خراسان؛ همچون شهید سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و آیت‌الله عباس واعظ طبسی، حجت‌الاسلام کامیاب را از یک طلبه پرتلاش و کوشا در فراگیری علم، به میدان‌داری ترس، خطیبی مسلط و استراتژیستی قابل در عرصه تقابل با رژیم پهلوی بدل کرد. نخستین تکاپوهای مبارزاتی شهید کامیاب در جریان برگزاری جشن‌های ۲هزار و ۵۰۰ ساله انجام گرفت؛ جشنی که در آن مسلمان ایران، آن‌را نه یک رویداد فرهنگی؛ بلکه تقابلی آشکار با هویت اسلامی خود، تلاشی برای باستان‌گرایی افراطی و سرپوش گذاشتن بر فقر عمیق حاکم بر جامعه می‌دانستند. سخنرانی‌های روشنگرانه، مستقل و بی‌پاکانه شهید کامیاب در این مقطع، سبب حساسیت فوق‌العاده ساواک به نام او شد. وی با استناد به منطق پویای «کل یوم عاشورا» منابر وعظ خود را به‌قلعه مستحکم بیداری و جبهه‌گانه نقد حاکمیت و افشای جنایات پنهان و پیدای رژیم پهلوی تبدیل کرد. شجاعت و فداکاری شهید کامیاب تا بدانجا بود که وقتی حلقه محاصره امنیتی بر رهبران انقلاب تنگ می‌شد، او به‌عنوان یک نیروی جایگزین و مطمئن عمل می‌کرد. از جمله این‌گونه اقدام‌های وی می‌توان به اقامه نماز جماعت در مسجد امام حسن مجتبی(ع)، هنگامی که رهبر شهید در زندان ساواک گرفتار بودند یا در تبعید روزگاری می‌گذرانند، اشاره کرد.

■ **سفیر برای بیداری ملت: از جنگل‌های شمال تا کویر کرمان**

حجت‌الاسلام کامیاب با هوشمندی خاصی در یافته بود که محصور ماندن مبارزه در مشهد یا تهران به نفع رژیم است، او با درک ضرورت شبکه‌سازی سراسری و بیداری ملی، سفرهای تبلیغی و در واقع مأموریت‌های انقلابی هدفمندی را به اقصی نقاط کشور آغاز کرد. در شهرهای شمالی؛ همچون گنبد کاووس و علی آبادکتول، سخنرانی‌های آتشین، منطقی و جوان‌پسند او، خشم نیروهای امنیتی و شهربانی را برانگیخت. تعقیب و گریزهای مداوم و عبور هوشمندانه او از حلقه مأموران با یاری و پوشش مردمی، نشان از نفوذ کلام و پایگاه اجتماعی مستحکمی دارد که وی در مدت کوتاهی میان مردم آن دیار ایجاد کرده بود؛ اما بدون شک، یکی از درخشان‌ترین برگ‌های دفتر مبارزات او، در استان کرمان ورق خورد. در دی ماه ۱۳۵۶ خورشیدی و پس از آن، در شهر یور ۱۳۵۷ خورشیدی، حضور شهید کامیاب در کرمان، همچون انداختن جرقه‌ای در انبار بزرگ باروت بود. او در اوج حشمتان امنیتی، بر فراز منبر قرار گرفت و ضمن انتقاد صریح، کوبنده و بی‌سابقه از رژیم پهلوی و شخص شاه، تنه‌ا ره چاره‌برای‌راهی از جنگ یوغ استبداد و استعمار را استقرار «حکومت اسلامی» خواند. در همین ایام بود که به سخنرانی در مسجد «قائم» این شهر هم پرداخت و به جمعی کوچک از علاقه‌مندان به نهضت اسلامی، مبانی آن را آموزش داد. یکی از این افراد که بعدها نقش مهمی در تاریخ ایران و جهان اسلام ایفا کرد، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود. شهید سلیمانی در فرآزی از کتاب «هرگز نمی‌ترسید» که زندگی‌نامه خودنوشت او است، می‌نویسد: «سال‌های ۵۵ بود. رفت و آمدم به مسجد جامع که آن وقت آیت‌الله صالحی در آن نماز می‌خواند و مسجد قائم به‌خاطر درس قرآن اقای حقیقی و تکیه فاطمیه که تقریباً پاتوق ثابت من بود، برقرار بود. در اواخر سال ۵۵ یک روحانی به نام سیدرضا کامیاب به کرمان آمد و در مسجد قائم مشغول بحث شد. تعداد افراد کمی در جلسه او شرکت می‌کردند. جلسه او جلسه موعودگی بود.»

سخنرانی‌های هیجان‌انگیز و روشنگرانه حجت‌الاسلام کامیاب چنان موجی از بیداری، هیجان و آگاهی در کرمان ایجاد کرد که هزاران کرمانی را از انقشار مختلف به خیابان‌ها کشاند. فاجعه تاریخی به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان توسط عوامل رژیم پهلوی، در مهرماه ۱۳۵۷ خورشیدی، در واقع واکنش مستقیم، کور و کینه‌توزانه ساواک به موج عظیم هیجان و انسجامی بود که کلام نافذ شهید کامیاب در آن شهر به راه انداخته بود. مرور اسناد به جا مانده از ساواک کرمان نشان می‌دهد دستگاه امنیتی رژیم، با حساسیت‌زدگی تمام‌وی به صراحت، او را یکی از سه محرک اصلی و رهبران میدانی قیام



تصویر ویدئویی از شهید کامیاب

به بررسی چهار مورد از شاخص‌ترین ویژگی‌های آن خواهم پرداخت:

۱. **قدرت خارق‌العاده در شبکه‌سازی و نفوذ اجتماعی:** منافقین به‌عنوان یک سازمان شبه‌نظامی، به خوبی می‌دانستند شهید کامیاب، صرفاً یک روحانی سنتی و ساده نیست؛ او یک «کادر تشکیلاتی و عملیاتی نخبه» است. توانایی اثبات‌شده‌وی در برقراری ارتباط سریع با اقشار مختلف جامعه، قدرت اقناع‌سازی بالا و مهارت در سازماندهی مردم که پیش‌تر در جریان مبارزات کرمان، مشهد و شمال کشور به اثبات رسیده بود، برای گروهی که قصد داشت با ایجاد رعب، پایگاه اجتماعی نظام‌را متلاشی کند، به‌شدت خطرناک تلقی می‌شد.

۲. **پیوند عمیق و راهبردی با کانون نخبه:** شهید کامیاب، نه تنها یک شاگرد؛ بلکه یار وفادار و امین حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بود. منافقین در فاز نظامی خود، راهبرد «قطع سر نظام» را دنبال می‌کردند و با ترور چهره‌هایی چون کامیاب، در پی قطع یاروان فکری، اجرایی و ارتباطی جریان

بودند تا بتوانند به اهداف شوم خود برسند.

۳. **نقش کلیدی در تثبیت نهادهای انقلابی:** حضور فعال، مقتدرانه و با بصیرت شهید کامیاب در نهادهای نوپایی چون حزب جمهوری اسلامی، ارتش و کمیته‌ها، او را به یکی از استوانه‌های مهم تثبیت نظام در دوران ملت‌هپ پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل کرده بود. جریان نفاق برای فروپاشی ساختاری در نظام جمهوری اسلامی، نیازمند حذف فیزیکی چنین شخصیت‌هایی بود که مانع فروپاشی سازمان‌ساختار می‌شدند.

۴. **کینه تاریخی از روشنگری و قدرت منطق:** منافقین که ماهیت‌اتفاقی، مارکسیستی و انحرافی خود را سال‌ها پشت نقاب دین و آیات قرآن پنهان کرده بودند، در فضای باز پس از انقلاب، بیشترین ضربه ایدئولوژیک را از روحانیون آگاه و مسلط بر مبنای؛ مانند شهید کامیاب می‌خوردند. قدرت بیان، تسلط بر اصول فکری و عقیدتی اسلام و استدلال‌های کوبنده او در مناظرات و سخنرانی‌ها، مانع بزرگی در برابر یارگیری و انحراف افکار عمومی توسط این سازمان بود. همان‌طور که هسسر شهید در خاطرات خود اشاره کرده است، منافقین او را به درستی یک «مغز متفکر و تئورسین» می‌دانستند که سد راه آن‌هاست و به همین دلیل، پیش از اقدام به ترور، بارها او و خانواده‌اش را به صورت تلفنی و مکتوب تهدید به مرگ کرده بودند.

■ **پایان سرخ یک مبارز راستین**

کینه‌کور نفاق، سرانجام در یکی از روزهای گرم تابستان به نقطه جوش رسید. در هشتم مرداد، ۱۳۶۰ خورشیدی، در حالی که شهید کامیاب سوار بر خودرو پیکان در تقاطع بولوار راه‌آهن (شهید کامیاب کنونی) و خیابان خواجهریرع (آیت‌الله عبادی کنونی) مشغول در حال حرکت بود، کینه‌دیده‌ی شیطنی سازمان از لوله کلت کمرب‌تور پوست‌هایرون آمد؛ گلوله‌ها به پیکر و کتف این عالم مجاهد نشست و حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا کامیاب را در ۳۱ سالگی، در اوج بالندگی، یختگی و خدمت به ملت به شهادت رساند.

گزارش تاریخی

مذاکرات علمی ناصرالدین شاه و لویی پاستور!

نوائیان | آخرین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ از ۲۴ فروردین ۱۲۶۸ تا ۲۸ مهر همان سال طول کشید؛ چیزی حدود ۶ ماه. هدف اصلی شاه از این سفر، بازدید از نمایشگاه پاریس بود که همه ساله با حضور کشورهای مختلف، در این شهر برگزار می‌شد و دستاوردهای علمی و فرهنگی ملت‌ها را در معرض دید عموم قرار می‌داد. ناصرالدین شاه پس از ورود به فرانسه، یک‌استرا به پاریس رفت. اوقصد داشت در این سفر، اماکن تاریخی پایتخت فرانسه را ببیند؛ بیشتر از روی کنج‌کاوی، خودش می‌نوید: «یک ساعت به غروب مانده به حوالی پاریس رسیدیم. از پل رودخانه سن که در خارج شهر واقع است گذشته، داخل شهر پاریس شدیم. از خط راه‌آهن که از کنار قلعه‌ای در داخل شهر به دور شهر می‌گردد رفته، به محلی رسیدیم موسوم به پاسی، خیابانی بود که فرش کرده و زینت زیادی داده بودند. مسافتی را پیاده رفتیم، سوار شده به راه افتادیم. از پارک بولوین عبور شد که خارج قلعه است. دوباره داخل شهر شده، از خیابان وسیعی که موسوم است به لاگرانژ ارمه عبور کرده، به آرک دوتریومف رسیدیم که از بناهای بزرگ ناپلئون اول است، از سنگ ساخته‌اند. صورت جنگ‌های ناپلئون را در داخل و خارج اطراف آن حجاری کرده‌اند. بسیار بنای عالی است؛ اما در این جنگ آخر با پروس‌ها از گلوله توپ زیاد، خرابی در آن به هم رسیده‌است و میان آن راه‌م فرش کرده، صندلی‌ها چیده، خیلی زینت داده بودند. از کالسکه پیاده شده، آنجا قدری نشستیم، بعد برخاسته سوار کالسکه شده داخل خیابان شانزه لیزه شدیم. بسیار با صفا و وسیع است.»

جالب است که ناصرالدین شاه در سفرش به فرنگ، ساکن سفارت ایران نشد و برای اقامت به گراند هتل‌های پاریس رفت. با این حال، سری هم به سفارت زد تا ببیند چه خبر است. خودش طی گزارش‌ی در این‌باره می‌نویسد: «به عمارت ایران رفتم. بسیار بسیار خوب ساخته‌اند. عمارت مصری و تونس‌ی و چینی و ژاپنی نزدیک عمارت ایران است. حقیقتاً از همه بهتر بود. استاد حسینی‌علی معمار، خویش حاج ابوالحسن ساخته است. خودش هم حاضر بود. شبیه به برج عشرت آباد است. یک حوضخانه کاشی‌کاری که حوض مرمر دارد و آب می‌جهد، در زیر دارد. بعد پله خورده بالادی می‌رود به اتاق آیینه‌کاری مقرنس. بسیار بسیار خوب ساخته‌اند. پنجره‌ها و درها همه از ایران ساخته، آورده‌اند. مردم خیلی به تماشای اینجامی آیند.»

■ **مرداد ۱۲۶۸: دیدار با پاستور**

شاید تا به حال این روایت را نشنیده باشید که ناصرالدین شاه، دیداری با لویی پاستور هم داشته است. پاستور، میکروب‌شناس برجسته فرانسوی و یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های تاریخ پزشکی است. وی در سال ۱۲۰۱ ه.ش به دنیا آمد و در سال ۱۲۷۴، حدود ۶ سال بعد از دیدار با ناصرالدین شاه، دار فانی را وداع گفت. پاستور هنگام ملاقات با شاه قاجار، حدوداً شصت و هفت ساله بود و در دوران اوج شهرت قرار داشت؛ با یاکتری‌ها را به‌پایان‌ناقل بیماری‌های شاماسایی و معرفی کرده و با کشف واکسن‌ها، جان میلیون‌ها انسان را از این بیماری خطرناک نجات داده بود. پاستور یکی از قابل احترام‌ترین شخصیت‌های تاریخ بشریت محسوب می‌شود. او بود که شبیه پاستوریزه کردن را به جهان معرفی کرد. دیدار ناصرالدین شاه با پاستور، روز هشتم مرداد سال ۱۲۶۸ اتفاق افتاد.

شاه قاجار در سفرنامه‌اش، همه‌رجل اروپایی را مسخره‌و معرفی می‌کند و با همان غرور شاهانه، بیشتر آن‌ها را افرادی بی‌مصرف می‌داند؛ اما لحن او دربارِ پاستور، لحنی متفاوت است. ناصرالدین شامی‌نویسد: «امشب پاستور معروف را

که برای آدم سگ‌ها را گرفته، معالجه و علاج پیدا کرده‌است، دیدم. شرح احوال او را در روزنامجات خوانده بودم. حالا هم او را دیدم و با او خیلی صحبت کردم. می‌گفت معالجه این کار را خیلی خوب پیدا کرده‌ام؛ اما باید آدم سگ‌ها ر گرفته راز و د بیاورند که معالجه شود، اگر طول بکشد و دیر بیاورند، خیلی معالجه‌اش مشکل است. مثلاً اگر تهران یکی را سگ‌ها برگیرد و بیاورند اینجا، خیلی معالجه‌اش مشکل است![]» به خصوص اگر دندان سگ‌ها ر به عصب گرفته و به خون رسیده باشد که او را باید حتماً بعد از دو روز سه‌روز بیاورند که معالجه شود و الا مشکل است. مقصود این است که باید زود شروع به معالجه شود و طول نکشد. حالا پاستور در اینجا مدرسه دارد و درس می‌گوید و مردم مشغول تحصیل این کار هستند. حقیقت این پاستور خیلی خدمت به انسانیت کرده‌است». جالب اینجاست که ناصرالدین شاه با وجود مشاهده پیشرفت‌های علمی گسترده در انستیتو پاستور، تلاشی برای الگوبرداری از آن و رواج روش‌های این دانشمند در ایران انجام نداد و به همان تعریف و تمجیدهای ملوکانه بسنده کرد!

و تصرفات متقاضی نسبت به مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی که در حال حاضر به صورت یک قطعه زمین محصور با کاربری زراعی میبایشد به مساحت ۵۲۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴ فرعی از ۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ حوزه ثبت ملک طبقه محرز گردیده است . لذا به موجب ماده ۱۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۱۳ این نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاهای اری هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاهای از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اعلام نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میبارد به تقدیم دادخواست به به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت محلی در صورت سند مالکیت میبایده به دادگاه نیست م الف ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۷،۰۱ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۴،۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵،۵۴،۲۴

محمدرضا کمیلی پور - رئیس ثبت اسناد و املاک طبقه
وقت معاینه و تعیین حدود و حقوق ادعای اعیان یک قطعه زمین محصور پلاک ۱۵۱۱ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ۵ شهت مورد تقاضای خانمها مرضیه غفرانی و رحله اکرمی خاتقاه برای ورزشه شبیه ۱۰،۵۲،۰۱ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ تعیین گردیده و در محل انجام خواهد شد مراجعه در مورد حدود و حقوق ارتفاقی ملک مذکور حقن برای خود قائل هستند و یا اختلافی با مجاور مزبور دارین می توانیند در روز و ساعت مردم حضور بهم رسانیده و برابر ماده ۱۰۴ مکرراتین ملک قانون ثبت و مطالب خود را اظهار دارین که در صورت مجلس مربوطه منعکس شود در صورت عدم حضور و نبودن اختصار باارساد سند مذکور سند مالکیت اعیانی بنام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد. م الف ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۷،۰۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۷،۰۳ تاریخ اوبتاری: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شانذیز حسن اوبتاری:

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۱ و ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۰۹،۲۰، ۱۳۹۰ و برابر رای شماره ۸۰۴۱۲۵/۸۰۴۲۶۰۳۶۰۵۸۰۴۵،۵۵،۵۸ مورخ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طبقه شانذیز تصورات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای حسین ذاکر عنبرانی به شناسنامه شماره ۸۲۶ کدملی ۸۴۶۱۳۴۴۷۱/۹۳۳۵۸ صادره مشاهد فرزند عباسعلی مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت مشاعی خانم رحانه اسماعیل زاده عنبرانی به متقاضی دانسته و تصرفات متقاضی نسبت به مالکیت در شش‌دانگ یک باب منزل به مساحت ۱۲۲،۰۷ متر مربع و قسمتی از پلاک شماره ۵۰۰ از فرعی ۴۸۱ فرعی از ۲۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ حوزه ثبت ملک طبقه محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۱۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاهای اری هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاهای از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میبارد به تقدیم دادخواست به به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت میبارد به به دادگاه نیست م الف ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۴،۲۴ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۴،۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۴،۲۴

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۱ و ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۰۹،۲۰، ۱۳۹۰ و برابر رای شماره ۸۰۴۱۲۵/۸۰۴۲۶۰۳۶۰۵۸۰۴۵،۵۵،۵۸ مورخ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طبقه شانذیز تصورات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم فاطمه ریز شجاعان حسینی به شناسنامه شماره ۸۳۸۵۱/۹۲۴۴۸۳ کدملی ۸۳۸۵۱/۹۲۴۴۸۳ صادره مشهد فرزند مجتبی مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت مشاعی متقاضی

آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت
خانم کبری صبورى شفیق فرزند نعمت‌الله به شماره شناسنامه ۱۹۱۰ کدملی ۹۲۴۹۰۴۱۶/۹۳۳۵۸ صادره از مشهد با تسلیم دو برگ استشهادیه که صحت امضاء شهود مذکور در آن در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰ شهرستان قوچان گواهی شده است مدعى شده اند که سند مالکیت ۵۰۰ سهم مشاع از ۱۸۹۹۱۷،۳۲۲ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک شماره ۴۵۸ فرعی مجزی از ۳۹۷ فرعی از ۸۸ اصلی بخش ۱۳ قوچان که ذیل صفحه ۱۵ دفتر ۲۰۳ به شماره ثبت ۲۹۳۳۵ به شماره چاپی ۵۲۱۳۱۱/۸۷۰۵۸ به نام وی صادر گردیده به علت جابجایی مفقود شده است. درخواست صدور سند المثنی نموده لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا هرکس مدعى انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعى وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۰۷ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۶۶۶-۱

محمد اسماعیل فرهنگند - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فاروج

آگهی فقدان سند مالکیت (نوبت اول)

چون خانم کبری صبورى شفیق برابر درخواست وارده به شماره ۸۷۸۶- ۱۴۰۵،۵۵،۴۵ و با ارائه برگ استشهادیه محلی امضاء شده مدعى است سند مالکیت ۱ سهم از ۵۲۲ سهم پلاک شماره ۵۴۸ فرعی از ۲۳۰ اصلی واقع در بخش سه قوچان به علت جابجایی مفقود گردیده است که با بررسی دفتر املاک مشخص گردید ۱ سهم ۲۵۲ پلاک فوق بنام خانم کبری صبورى شفیق ثبت شده و سند مالکیت صادر گردید. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می‌گردد تا هر کس مدعى انجام معامله یا وجود سند مالکیت پلاک فوق نزد خود میبایشد باید ظرف مدت ۰۷ روز پس از مدت انتشار آگهی به این اداره مراجعه و مراتب را اعلام نماید. بدیهی است پس از سیری شدن مهلت مقرر طبق مقررات نسبت به صدور سند المثنی به نام متقاضی اقدام خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۶۶۶-۱

محمد اسماعیل فرهنگند - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فاروج

آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت
خانم کبری صبورى شفیق فرزند نعمت‌الله به شماره شناسنامه ۱۹۱۰ کدملی ۹۲۴۹۰۴۱۶/۹۳۳۵۸ صادره از مشهد با تسلیم دو برگ استشهادیه که صحت امضاء شهود مذکور در آن در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰ شهرستان قوچان گواهی شده است مدعى شده اند که سند مالکیت ۵۰۰ سهم مشاع از ۱۸۹۹۱۷،۳۲۲ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک شماره ۴۵۸ فرعی مجزی از ۳۹۷ فرعی از ۸۸ اصلی بخش ۱۳ قوچان که ذیل صفحه ۱۵ دفتر ۲۰۳ به شماره ثبت ۲۹۳۳۵ به شماره چاپی ۵۲۱۳۱۱/۸۷۰۵۸ به نام وی صادر گردیده به علت جابجایی مفقود شده است. درخواست صدور سند المثنی نموده لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا هرکس مدعى انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعى وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۰۷ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۶۶۶-۱

محمد اسماعیل فرهنگند - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فاروج

آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت

چون خانم کبری صبورى شفیق برابر درخواست وارده به شماره ۸۷۸۶- ۱۴۰۵،۵۵،۴۵ و با ارائه برگ استشهادیه محلی امضاء شده مدعى است سند مالکیت ۱ سهم از ۵۲۲ سهم پلاک شماره ۵۴۸ فرعی از ۲۳۰ اصلی واقع در بخش سه قوچان به علت جابجایی مفقود گردیده است که با بررسی دفتر املاک مشخص گردید ۱ سهم ۲۵۲ پلاک فوق بنام خانم کبری صبورى شفیق ثبت شده و سند مالکیت صادر گردید. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می‌گردد تا هر کس مدعى انجام معامله یا وجود سند مالکیت پلاک فوق نزد خود میبایشد باید ظرف مدت ۰۷ روز پس از مدت انتشار آگهی به این اداره مراجعه و مراتب را اعلام نماید. بدیهی است پس از سیری شدن مهلت مقرر طبق مقررات نسبت به صدور سند المثنی به نام متقاضی اقدام خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۵،۵۸ ۱۴۰۵،۵۶۶۶-۱

محمد اسماعیل فرهنگند - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فاروج